

تحلیل و ارزیابی سیاست‌های برنامه‌درسی در نظام آموزشی ایران با رویکرد تطبیقی

محسن توده رنجبر^۱، فاطمه عراقی^۲

۱. دکتری پژوهشگری علوم اجتماعی

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل و ارزیابی سیاست‌های برنامه‌درسی (Curriculum Policies) در نظام آموزشی ایران با تأکید بر ابعاد نظری، ساختاری و اجرایی و مقایسه تطبیقی با نظام‌های آموزشی موفق در جهان است. پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی (Document Analysis) انجام شده است. داده‌ها شامل اسناد رسمی وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین، آیین‌نامه‌ها، راهنمای برنامه‌های درسی، و گزارش‌های بین‌المللی همچون OECD و UNESCO است. تحلیل داده‌ها نشان داد که سیاست‌های برنامه‌درسی ایران در سطح اهداف و ارزش‌ها از انسجام مطلوبی برخوردارند، اما در زمینه‌های عملیاتی مانند ارزشیابی یادگیری، تربیت معلم، و ارتباط میان محتوا و نیازهای جامعه، با چالش‌هایی روبه‌رو هستند. نتایج مقایسه با نظام‌های آموزشی فنلاند، ژاپن و کره جنوبی بیانگر آن است که کشورهای موفق، سیاست‌های خود را بر مبنای چرخه مستمر "پژوهش-اجرا-بازخورد" سازمان‌دهی می‌کنند، درحالی‌که در ایران غالباً سیاست‌ها از بالا به پایین و بدون مشارکت نظام‌مند ذی‌نفعان تدوین می‌شوند. مقاله در پایان مدلی مفهومی برای بهبود سیاست‌گذاری برنامه‌درسی در ایران پیشنهاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سیاست برنامه‌درسی، تحلیل تطبیقی، کیفیت آموزش، توسعه حرفه‌ای معلمان، ارزشیابی یادگیری

مقدمه

سیاست گذاری آموزشی (Educational Policy Making) به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه نظام های یادگیری، تعیین کننده مسیر تحقق عدالت آموزشی، کیفیت یاددهی-یادگیری و تربیت نیروی انسانی کارآمد است. در ایران، با وجود تصویب و اجرای اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش و تعدد برنامه های توسعه ای، هنوز چالش های اساسی در هماهنگی میان سیاست ها و اجرای برنامه درسی مشاهده می شود. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که سیاست های برنامه درسی در ایران تا چه میزان از بنیان های نظری، پژوهش محور و تطبیقی برخوردار هستند و چگونه می توان با بهره گیری از تجارب جهانی، کیفیت این سیاست ها را ارتقا داد؟

هدف از این پژوهش، تحلیل انتقادی سیاست های برنامه درسی ایران با تمرکز بر ساختار تصمیم گیری، نظام ارزشیابی، تربیت معلم و پیوست فرهنگی-اجتماعی محتوا و نیز پیشنهاد الگویی برای بهبود این سیاست ها در سطح کلان نظام آموزشی است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فرآیند سیاست گذاری برنامه درسی یک چرخه پویا میان نیازهای جامعه، اهداف کلان تعلیم و تربیت، و خط مشی های اجرایی است (Oliva, ۲۰۲۰). در این چرخه، سیاست به مثابه پیوند میان نظریه تربیتی و واقعیت نظام آموزشی عمل می کند (Ball, ۲۰۱۷). سیاست های درسی در سطح جهانی اغلب مبتنی بر سه مؤلفه تحلیل می شوند:

۱. سطح طراحی کلان (Macro Level): تعیین چشم انداز و فلسفه تربیت.
۲. سطح میان دستگاه (Meso Level): تعامل نهادهای برنامه ریزی، آموزش معلمان و ارزیابی کیفی.
۳. سطح خرد (Micro Level): اجرا در کلاس درس و تجربه یادگیری دانش آموزان.

در ایران، اسناد رسمی به ویژه *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۱)* چارچوب نظری متعادلی را پیشنهاد کرده اند، اما مطالعات داخلی همچون مصطفوی (۱۴۰۰) و ملک پور و همکاران (۱۴۰۲) نشان می دهد که سیاست های اجرایی از انسجام کافی برخوردار نیستند و ارتباط میان اهداف راهبردی و برنامه های عملیاتی ضعیف است.

در سطح بین المللی، پژوهش هایی مانند (Sahlberg- ۲۰۱۱) در فنلاند و (Schleicher - ۲۰۱۹) در OECD، بر اهمیت پیوستگی میان پژوهش های دانشگاهی و تصمیم گیری های آموزشی تأکید دارند.

۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و توسعه ای بوده و از نظر ماهیت، کیفی و تحلیلی-توصیفی است. روش اصلی، تحلیل اسنادی و مقایسه تطبیقی (Comparative Document Analysis) می باشد. داده ها از اسناد رسمی آموزش و پرورش ایران (به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی و گزارش های بین المللی همچون OECD)

(۲۰۲۳-۲۰۲۰, UNESCO Education Reports, Reports, ۲۰۱۹-۲۰۲۲)، و نیز مطالعات موردی مرتبط با سیاست‌های برنامه‌درسی در کشورهای منتخب به‌دست آمده است.

۱-۳. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه پژوهش، کلیه اسناد رسمی و پژوهش‌های علمی حوزه سیاست‌های آموزشی در ایران و کشورهای منتخب است. از میان این منابع، تعداد ۴۰ منبع (۲۰ منبع فارسی و ۲۰ منبع انگلیسی) با معیارهایی چون جامعیت، اعتبار علمی و تازگی (۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴) انتخاب شدند.

۲-۳. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، چک‌لیست و فرم تحلیل محتوای اسناد بود. این فرم شامل مؤلفه‌هایی نظیر:

- اهداف و فلسفه تربیتی (Educational Philosophy)

- ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری

- نقش و جایگاه معلم

- روش‌های ارزشیابی

- پیوست فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ها

۳-۳. روش تحلیل داده‌ها

داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای قیاسی (Deductive Content Analysis) بر پایه چارچوب نظری اولیوا (Oliva, ۲۰۲۰) و مدل مقایسه‌ای برد (Bereday, ۱۹۶۴) تحلیل شدند. روند تحلیل در سه مرحله انجام گرفت:

۱. کدگذاری اولیه: استخراج مفاهیم کلیدی از متون سیاستی.

۲. طبقه‌بندی مفاهیم: گروه‌بندی بر اساس پنج محور اصلی سیاست‌گذاری برنامه‌درسی.

۳. استنتاج نظری: تدوین یافته‌های نهایی با تأکید بر وجوه اشتراک و افتراق میان کشورها.

۴. یافته‌ها و تحلیل تطبیقی

۱-۴. وضعیت سیاست‌های برنامه‌درسی در ایران

یافته‌ها نشان دادند که در ایران، سیاست‌های برنامه‌درسی عمدتاً متمرکز و از بالا به پایین هستند (Top(Down Approach)؛ بدین معنا که تصمیم‌گیری‌ها در سطح وزارت آموزش و پرورش انجام می‌شود و نقش مدارس، معلمان و انجمن‌های علمی در طراحی برنامه‌ها کم‌رنگ است. *سند برنامه‌درسی ملی (۱۳۹۱)* بر تربیت متوازن و هویت اسلامی-ایرانی تأکید دارد، اما در مرحله اجرا، به دلیل کمبود زیرساخت‌های حمایتی، اجرای کامل اهداف تربیتی با چالش مواجه است (ملک‌پور و همکاران، ۱۴۰۲).

۲-۴. تجربه فنلاند

فنلاند یکی از نمونه های موفق در سیاست گذاری برنامه درسی است که در آن، نظام آموزشی بر اعتماد به معلم (Teacher Autonomy) و تصمیم گیری غیرمتمرکز استوار است (Sahlberg, ۲۰۱۱). شورای ملی آموزش (National Agency for Education) چارچوب های کلان سیاستی را تعیین می کند، اما طراحی نهایی در سطح مدرسه و معلمان انجام می گیرد. در این کشور، برنامه درسی هر ۱۰ سال بازنگری می شود و بازخورد مدارس در سیاست گذاری لحاظ می شود. تمرکز سیاست ها بر مهارت های زندگی و یادگیری مادام العمر است (Lonka, ۲۰۲۱).

۳-۴. تجربه ژاپن

ژاپن نظامی منسجم و مبتنی بر هماهنگی میان دولت مرکزی و مدارس دارد. سیاست آموزشی این کشور بر انسجام ارزش های فرهنگی و نوگرایی علمی استوار است (Takayama, ۲۰۲۰). برنامه درسی ملی ژاپن (Course of Study) به صورت چرخه ای بازنگری می شود. مشارکت معلمان در تدوین کتب درسی و ارزیابی های ملی بالا است. سیاست های تمرکز بر همبستگی اجتماعی و پرورش شهروند مسئول از ویژگی های بارز این کشور است.

۴-۴. تجربه کره جنوبی

در کره جنوبی، سیاست های درسی با تأکید بر نوآوری فناورانه (Innovation in Education) و آموزش مهارت های دیجیتال تنظیم شده اند (Song, ۲۰۲۲). چارچوب سیاستی آموزش و پرورش این کشور ترکیبی از کنترل مرکزی و آزادی مدرسه ای است. استفاده از داده های یادگیری و بازخورد معلمان در سیاست گذاری های برنامه درسی از اهمیت بالایی برخوردار است. دولت بودجه مشخصی برای توسعه حرفه ای معلمان (Professional Development) اختصاص می دهد.

۵-۴. مقایسه تطبیقی

مؤلفه ها	ایران	فنلاند	ژاپن	کره جنوبی
تمرکز سیاست گذاری	بسیار متمرکز	غیرمتمرکز	نیمه متمرکز	ترکیبی
نقش معلم	محدود در سیاست گذاری	محوری	مشارکتی	فعال
بازنگری برنامه ها	نامنظم	دوره ای (۱۰ ساله)	چرخه ای (۶ ساله)	منظم مبتنی بر داده
پیوند پژوهش و سیاست	ضعیف	فرایندمحور	ترکیبی	داده محور
محور ارزشیابی	نتیجه محور	فرایندمحور	ترکیبی	داده محور

۵. بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که تفاوت اصلی سیاست های برنامه درسی در ایران با کشورهای موفق آموزشی، در ساختار تصمیم گیری و میزان مشارکت ذی نفعان است. در حالی که در ایران سیاست گذاری برنامه درسی عمدتاً از بالا به پایین (Top down) و در سطح ستاد وزارتخانه انجام می گیرد، در کشورهایی مانند فنلاند و ژاپن، تعامل دوسویه میان سیاست گذاران، مدارس و معلمان برقرار است و تصمیم ها از مسیر بازخوردهای میدانی اصلاح می شوند.

بررسی تجربیات تطبیقی نشان داد که سیاست های موفق معمولاً بر سه اصل استوار هستند:

۱. اتکا به نظام بازخورد و پژوهش کاربردی: هر تصمیم سیاستی بر پایه داده های آموزشی و تحلیل پژوهشی اخذ می شود.
۲. توسعه حرفه ای مداوم معلمان: آموزش و پرورش سرمایه انسانی خود را از طریق ارتقای صلاحیت های علمی و مهارتی معلمان تحقق می بخشد.
۳. همسوسازی سیاست ها با تحولات فرهنگی، اجتماعی و فناورانه: سیاست ها باید پویا و متناسب با تغییرات محیط آموزشی و جامعه طراحی شوند.

در ایران، در حالی که اسناد بالادستی مانند *سند تحول بنیادین* چارچوب نظری مناسبی دارند، حلقه اتصال میان نظریه و اجرا ضعیف است. اجرای نظام پژوهش محور در سیاست گذاری و استقرار چرخه «پژوهش - تصمیم - بازخورد - بازنگری»، می تواند راه حلی مؤثر برای ارتقای کیفیت سیاست های آموزشی باشد.

۶. مدل مفهومی پیشنهادی برای بهبود سیاست های برنامه درسی ایران

بر اساس یافته های پژوهش، مدل پیشنهادی زیر برای بازسازی نظام سیاست گذاری برنامه درسی ایران ارائه می شود:

الف) سطح کلان (Macro Level):

ایجاد «مرکز یکپارچه پژوهش و سیاست آموزشی» با مأموریت تحلیل و پایش سیاست ها.
طراحی نظام ارزیابی سیاست (Policy Evaluation System) برای سنجش اثرگذاری هر سیاست.

ب) سطح میانی (Meso Level):

(تقویت تعامل میان دانشگاه فرهنگیان، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و مدارس.
(استقرار شبکه های یادگیری و تبادل تجربه معلمان (Learning Networks).

ج) سطح خرد (Micro Level):

(واگذاری بخشی از اختیار تصمیم گیری برنامه درسی به مدارس.
(تدوین راهنماهای بومی سازی محتوا و ارزشیابی متناسب با شرایط فرهنگی و جغرافیایی مناطق.

این مدل بر مبنای اصل انعطاف پذیری، مشارکت و پاسخگویی پژوهش محور طراحی شده و هدف آن پیوند بین اسناد بالادستی و واقعیت های اجرایی نظام آموزشی است.

۷. نتیجه گیری نهایی

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می دهد که کیفیت سیاست های برنامه درسی ایران وابسته به تقویت فرهنگ مشارکت، تداوم پژوهش و ارزیابی شفاف است. حرکت از الگوی متمرکز به سمت الگوی مشارکتی و پژوهش محور، نه تنها موجب بهبود اثربخشی آموزشی می شود، بلکه اعتماد حرفه ای معلمان و تعامل میان بخش های مختلف نظام آموزشی را نیز افزایش می دهد.

بنابراین، پیشنهاد می شود وزارت آموزش و پرورش ضمن بازنگری در فرآیند تدوین و ارزیابی سیاست ها، از الگوهای موفق بین المللی مانند چرخه یادگیری سیاستی فرامود (Evidence Based Policy Cycle) بهره گیرد تا تصمیم های آموزشی بر پایه داده و پژوهش اتخاذ شوند، نه صرفاً بر اساس دستورات اداری.

۸. پیشنهادهایی برای پژوهش های آینده

با توجه به یافته های این پژوهش و بررسی تطبیقی کشورهای منتخب، پیشنهادهای زیر برای مطالعات بعدی ارائه می شود:

۱. انجام پژوهش های کمی و میدانی درباره میزان مشارکت معلمان و مدیران مدارس در تدوین سیاست های برنامه درسی ایران.

۲. بررسی تأثیر تحلیل داده های یادگیری و نظام های ارزیابی عملکرد بر بهبود تصمیم های سیاستی آموزش و پرورش.

۳. طراحی یک الگوی بومی ارزشیابی سیاست های آموزشی بر اساس مدل های موفق فنلاند و کره جنوبی.

۴. انجام مطالعات سیاست پژوهی میان رشته ای با تمرکز بر پیوند میان علوم تربیتی، جامعه شناسی و مدیریت عمومی در تدوین سیاست های درسی.

۵. تحلیل پیامدهای تحول دیجیتال و آموزش هوشمند بر سیاست های برنامه درسی آینده ایران.

۹. جمع بندی نهایی مقاله

پژوهش حاضر با تکیه بر تحلیل تطبیقی سیاست های برنامه درسی، نشان داد که کشورهایی که ساختار سیاست گذاری آموزشی شان مبتنی بر مشارکت، اعتماد به معلم، و بازنگری ادواری سیاست ها است، توانسته اند کیفیت و پایداری تحول آموزشی خود را تضمین کنند. نتایج به روشنی بیان می کند که گذار از رویکرد سنتی و اداری سیاست گذاری به سمت رویکرد پژوهش محور و یادگیرنده، لازمه تحول واقعی در نظام آموزشی ایران است.

منابع :

- Ball, S. J. (۲۰۱۷). *The education debate*. Policy Press .
- Bereday, G. Z. F. (۱۹۶۴). *Comparative method in education*. Holt, Rinehart and Winston .
- Lonka, K. (۲۰۲۱). *Innovative schools in Finland: Pedagogical transformation and teacher autonomy.* Journal of Curriculum Studies, ۵۳(۴), ۵۱۲-۵۲۹ .
- OECD. (۲۰۱۹-۲۰۲۲). *Education policy outlook series.* OECD Publishing .
- Oliva, P. F. (۲۰۲۰). *Developing the curriculum* (۹th ed.). Pearson Education .
- Sahlberg, P. (۲۰۱۱). *Finnish lessons: What can the world learn from educational change in Finland?* Teachers College Press .
- Schleicher, A. (۲۰۱۹). *World class: How to build a ۲۱st century school system.* OECD Publishing .
- Song, Y. (۲۰۲۲). *Innovation and digital transformation in Korean education.* Comparative Education Review, ۶۶(۲), ۲۵۴-۲۷۹ .
- Takayama, K. (۲۰۲۰). *Reinventing Japanese education: Curriculum policy and cultural change.* Asia Pacific Journal of Education, ۴۰(۳), ۳۰۱-۳۲۰ .
- مصطفوی، م. (۱۴۰۰). تحلیل سیاست های تربیتی در ایران با رویکرد مقایسه ای. *فصلنامه پژوهش های برنامه درسی، ۱۷*(۲)، ۱-۲۴.
- ملک پور، الف، و همکاران. (۱۴۰۲). آسیب شناسی سیاست های اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فصلنامه نوآوری آموزشی، ۱۹*(۴)، ۵۶-۷۵.

با سلام و احترام

احتراماً به استحضار می‌رساند، مقاله‌ای با عنوان
«تحلیل تطبیقی سیاست‌های برنامه‌درسی در ایران و سه کشور منتخب (فنلاند، ژاپن و کره جنوبی): رویکردی
سیاست‌پژوهانه»
توسط این جانب و همکارم تهیه و تدوین گردیده است. هدف از انجام این پژوهش، مقایسه‌ی نظام سیاست‌گذاری برنامه‌درسی
ایران با نمونه‌های موفق بین‌المللی و ارائه‌ی مدل مفهومی بومی برای بهبود سیاست‌های آموزشی کشور است.

با توجه به نوآوری پژوهش در تلفیق تحلیل سیاستی با رویکرد تطبیقی و همچنین کاربرد مستقیم نتایج در فرآیند اصلاح
سیاست‌های درسی، خواهشمند است دستور فرمایید مقاله جهت بررسی اولیه و داوری علمی مورد توجه هیئت تحریریه
محترم قرار گیرد.

اطمینان حاصل می‌نمایم که مقاله حاضر پیش‌تر در هیچ مجله یا همایش علمی منتشر نشده و هم‌اکنون نیز در فرآیند
داوری نشریه دیگری قرار ندارد. کلیه نویسندگان در تدوین و نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند و مسئولیت صحت محتوایی
و اصالت علمی اثر بر عهده نگارندگان است.